

## ۱۰فرهنگ ادبیات وهنر

### جشنواره‌گردی

سینمای رسانه‌ها امسال کم حاشیه به خود ندیده، از جابه‌جایی ساعت اکران فیلم‌ها بهم و حضور چهره‌های ناشناس در پردیس ملت گرفته تا دیررسیدن بعضی فیلم‌ها از جمله حاشیه‌هایی است که این روزها شاهدش بودیم. اخبار و اتفاقات هم که تا دلتان خواهد زیاد بود که بخشی از مهم‌ترین شان پیش روی شماست.

### اقدامی ماندگار و موفق

از قرار معلوم محمد رضا باهنر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام که ۱۶ بهمن در پردیس سینمایی ملت، سینمای رسانه به همراه خانواده‌اش به تماشای فیلم «۲۳ نفر» نشست، بود، در گفت‌وگو با ستاد خبری سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر با موفق ارزیابی کردن این جشنواره گفت: یکی از اقدامات خوب، ماندگار و صدقه جاریه‌ای که در این سال‌ها اتفاق افتاده است، جشنواره فیلم فجر است. این جشنواره سکو و ابزاری شده تا کسانی که پویا هستند یا حرف‌های نو دارند فرهنگ ایران انقلاب و اتفاقات مهمی را که در کشور ما افتاده است را با زبان هنر به دیده و گوش مخاطبان برسانند.

### گله سازندگان يك فيلم جشنواره فجر از نیروی انتظامی

در هفتمین روز جشنواره فیلم فجر در پردیس سینمایی ملت فیلم «دیدن این فیلم جرم است» برای اهالی رسانه و منتقدان به نمایش درآمد؛ فیلمی سیاسی که با تهیه‌کنندگی حقوقی و کسب مجوز ساخت از سوی حوزه هنری ساخته شده و در پی یک حادثه، تقابل چند نیروی بسیجی با نیروهای امنیتی را به تصویر می‌کشد که برای حفظ آبرو و اعتبار نظام باید به تصمیمی عقلانی برسند.

این فیلم در سینمای رسانه‌ها موافقان و مخالفان جدی داشت و عده‌ای آن را فیلمی شعاری می‌دانستند و عده‌ای دیگر هم از طرح برخی مسائل سیاسی و جنسارت در آن استقبال کرده و البته آن را مورد حمایت خاص می‌دانستند که توانسته مجوز نمایش بگیرد.

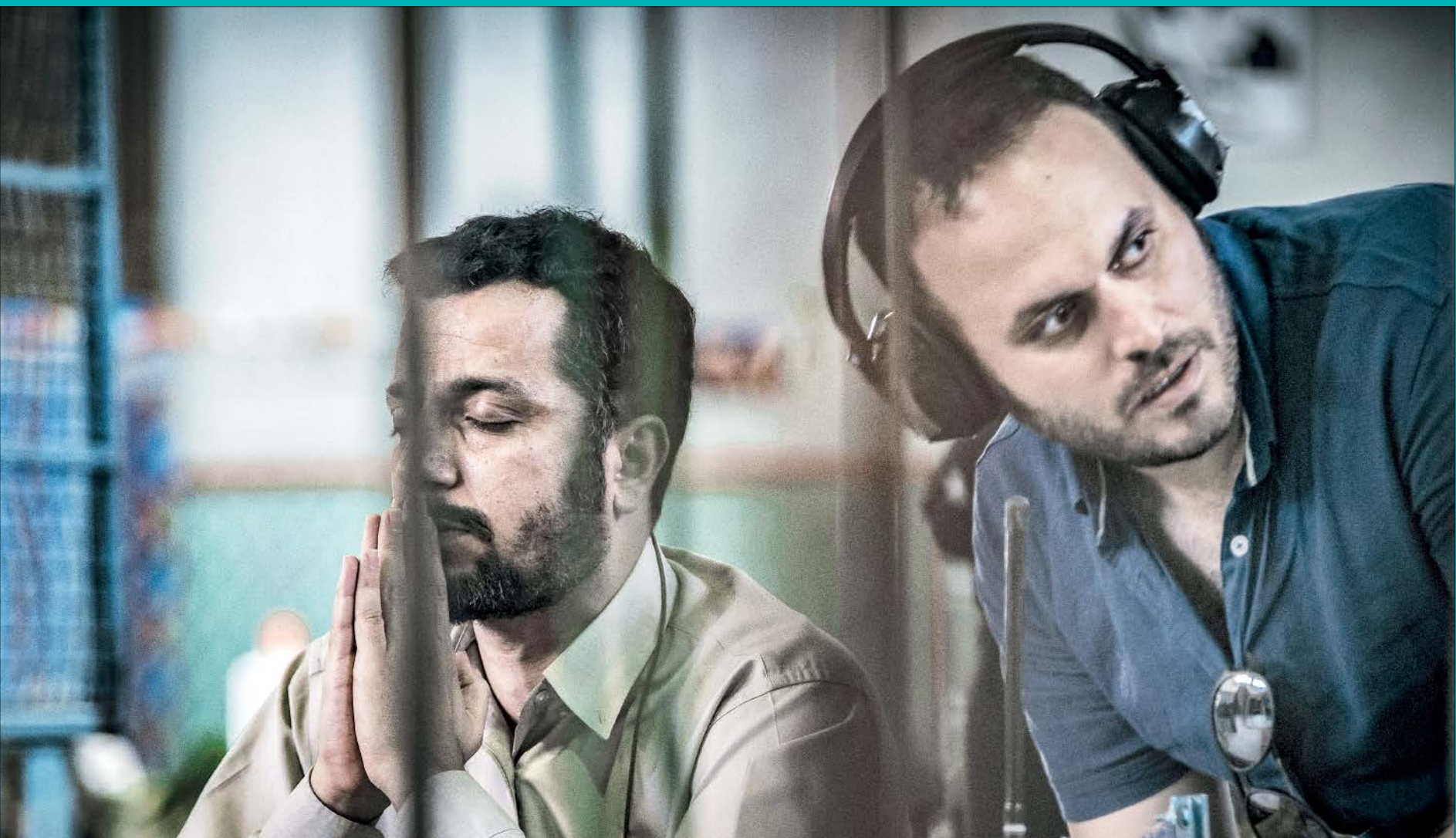
با این حال سازندگان این فیلم تاکید داشتند که اثرشان پروسه‌ای زمانبر برای ساخت پشت سرگذاشته و اطمینان داشته‌اند که با موانع زیادی هم روبه‌رو می‌شوند، ولی از بسیاری از نهادهای مربوط حمایتی نگرفته‌اند تا این‌که به لحاظ حقوقی، سازمان سینمایی حوزه هنری تهیه‌کننده می‌شود و از ساخت آن حمایت می‌کند.

آن‌طور که ایسنا گزارش داده، محمدرضا زهتابچیان کارگردان این فیلم درباره آن‌که آیا نام فیلم برای جذب مخاطب انتخاب شده در نشست خبری این فیلم که در پردیس ملت برگزار شد، بیان کرد: اسم فیلم بخشی از یک دیالوگ بود که می‌گفت «پس چرا اجازه نمی‌دهید مردم فیلمشان را ببینند؟» ولی بعد آن سکانس به لحاظ فنی حذف شد.

او افزود: ما به خیلی نهادهای مربوط مراجعه کردیم ولی برای حمایت از ساخت به نتیجه نرسیدیم و هیچ کس چنین جرأتی به خرج نداد، جز حوزه هنری که حمایت کرد. ما در این فیلم برایمان مهم بود که پاسدارها، بسیجی‌ها، دولتی‌ها و چادری‌ها دو دسته هستند.

### فیلم‌های تازه در راه اکران

غلامرضا فرجی، سخنگوی شورای صنفی نمایش عنوان کرد که از ۲۴ بهمن چهار فیلم به چرخه اکران اضافه می‌شود. غلامرضا فرجی، سخنگوی شورای صنفی نمایش در گفت‌وگو با مهر درباره خروجی جلسه شورا گفت: در جلسه امروز مقرر شد فیلم سینمایی «قرارمون پارک شهر» به کارگردانی فلورا سام و به سرگروهی باغ کتاب،



گفت‌وگو با مهدی زمین‌پرداز، بازیگر فیلم‌های «ماجرای نیمروز: رد خون» و «دیدن این فیلم جرم است»

# من باتو چه کار کنم بسیجی؟!

*داشت و البته رد شد نقش را قبول نکرده‌اند کمی از ریسک بزرگی که کردی بگو، از نقش خیلی مهم و سخت.*

وقتی کسی بخواهد به قله برسد نمی‌تواند بی‌خطر از گذرگاه‌ها عبور کند، برای رسیدن به قله پیچ‌هایی هست و اگر راحت و ساده باشد می‌شود تکراری، نقش‌های کم حجم، بی‌هیچ تلاش؛ ریسک است که آدم را پخته می‌کند و به آدم فرصت تجربه می‌دهد، زمانی که می‌خواستم این کار را انجام دهم واقعا ترس داشتم، یعنی به خودم و مهدی درونم گفتم تو کاری را می‌خواهی انجام دهی و باید ریسک‌ش را بپذیری حالا یا یک مدت کنار می‌روی یا اتفاق خوبی برایت می‌افتد و فیلمنامه‌تو را در یک مسیر درست قرار می‌دهد و خدا را شکر که تا الآن مردم دوستش داشتند و همین خوب است، ما کار می‌کنیم برای مردم دیگر.

**گاهی می‌گویند بازیگرانی که در این شکل فیلم‌ها بازی می‌کنند در یک بایکوت اعتمادی قرار می‌گیرند و کم‌کاری می‌شوند.**

نه خدا را شکر من مهدی زمین‌پرداز نه در جریان فکری ای هستم و نه وابسته‌ام و نه به جایی وصلم بی‌خطری خطر.

**معمولان این فیلم‌ها یک خطر انجینی دارد.**

بله اما اگر به سمت شعار نرود و یک طرف را بگیرد این‌طور نیست و اگر بگیرد این اتفاق می‌افتد، در این فیلم امیر با یک اتفاق شخصی و ساده داستان زندگی اش رقم می‌خورد؛ اتفاقی که یک مرد مست به زنش هتک حرمت می‌کند، ولی هرچه جلوتر می‌رویم داستان ابعاد بزرگ‌تری به خودش می‌گیرد، جالب اینجاست، جنگ است، یک جنگ داخلی، مردم درآن سهیم نیستند، اما مردم در حال نظاره هستند. مخاطب همان مردم کوچه بازاری است که دارند امیر را نگاه می‌کنند و امیر دارد حرف دل آنها را می‌زند برای همین شاید امیر در فیلمنامه ویژگی‌های یک قهرمان را نداشته باشد اما رفته رفته شکل و رنگ قهرمانانه می‌گیرد.

**امیر یک قهرمان درست و حسابی است که بحث تقابل آرمان و قانون برایش اتفاق می‌افتد و از این نظر امریکایی از هیجان‌انگیزترین و چالش‌ترین نقش اول‌های حتی این چند سال اخیر سینمای ایران است که پله پله موانع را کنار می‌زند و خط سیر دارد و به معنای کلاسیک قهرمان است.**

البته ضعف‌هایی هم دارد اما باورپذیر می‌شود و گاهی از پیام‌هایی که از مخاطبان متفاوت دریافت می‌کنی متوجه می‌شوی مردم با شخصیت ارتباط برقرار کرده‌اند، در سالن‌ها می‌ایستند و با هم حرف می‌زنند و حتی در مورد دیالوگ‌ها با هم بحث می‌کنند و بعد از فیلم مخاطب شخصیت امیر و حرف‌هایش را رها نمی‌کند و همچنان همراه امیر است، این نشان می‌دهد فیلم کار خودش را کرده است.

**در مورد رد خون هم همین است حرف ایجاد می‌کند و باعث قشتمان می‌شود.**

ذهن مخاطب را درگیر می‌کند و بعد از فیلم هم فراموشش نمی‌کند برگ برنده این فیلم‌ها هم همین است.

**در فرمان‌داد حسن باقری در آخرین روزهای زمستان هم یک قهرمانی در فضایی متفاوت بود و آرمانی داشت الان در یک فضای دیگر هر دو قهرمان‌اند منتها با دو آرمان هستند که شکل عوض کرده‌اند و این حضور در هر دو نقش جالب است.**

این شخصیت را روی بوم نقاشی رنگ کرده و شکل داده‌ایم، حالا دیگر باید دید در آینده فیدبک‌هایش چه می‌شود؟

**از زاویه‌ای با آن‌انس شیشه‌ای مقایسه شده شاید به دلیل فضای بسته، گروگانگیری و مقابله گروه‌ها. نظرت در مورد این مقایسه چیست؟ و چقدر فکر می‌کنی امیر به حاج کاظم نزدیک یا دور است؟**

من هم زمانی که فیلمنامه را خواندم به رضا زهتابچیان گفتم این شبیه آژانس شیشه‌ای نیست؛ بیشتر همین ثابت بودن مکان و گروگانگیری و درگیری نیروها باعث این برداشت می‌شود در حالی که هیچ تلاشی نبود که حاج کاظم تداعی شود ولی خب کاظم هم درگیر همین آرمان‌ها و غیرتمندی‌ها بوده است.

«اموریت غیرممکن» ساخته یعقوب غفاری به سرگروهی ماندانا، «سوءتفاهم» به کارگردانی احمدرضا معتمدی به سرگروهی آزادی و «ضربه فنی» ساخته غلامرضا رضانی به سرگروهی کوروش از تاریخ ۲۴ بهمن اکران شوند. او افزود: اکران فیلم‌های «مارموز» به کارگردانی کمال تبریزی، «اتاق تاریک» به کارگردانی روح... حجازی، «سندباد

مرصاد باشد و منتظر تکمیل فیلمنامه بودند؛ البته شروع کار کمی جلو و عقب شد. **از مسعود ماجرای نیمروز یک تا مسعود ماجرای نیمروز ۲، هفت سال فاصله است؛ مسعود در این هفت سال چطور دیدی و چگونه به سمت اجرای دوباره شخصیت رفتی؟**

خب به هر حال هفت سال از عمر این آدم گذشته است باید تغییراتی در او شکل گرفته باشد، این تغییرات زیاد اساسی نیست ولی موهایش کوتاه‌تر شده، ریش گذاشته و عینکش ته استکانی‌تر شده است؛ حتی از لحاظ فکری کمی پخته‌تر شده، مسؤول در ماجرای نیمروز یک و ۲ تنها شخصیتی است که در عملیات شرکت ندارد و همین وجه تمایز او با باقی شخصیت‌هاست، من برای این‌که شخصیت به لحاظ ساختاری در درام شکل بگیرد مسعود را شخصیتی با نگاه نافذ، کم حرف، صبور، آرام و بدون هیچ حرکت انفجاری یا هیجانی در نظر گرفتم و این وجوه را پر رنگ‌تر کردم. مسعود با این‌که یک بازجوست اما صرفا کارش را انجام نمی‌دهد و تنها به دنبال دریافت اطلاعات نیست، او گفت‌وگویی دارد که می‌گوید: نباید خط اعتماد از بین بره و کلمه خط اعتماد به مسعود و شخصیتش بسیار نزدیک است چرا که او با متهمانش یک رابطه انسانی برقرار می‌کند و به دنبال نفوذ کردن و تغییر دادن متهمانش است، علاقه مند است که آنها متحول شوند و به زندگی برگردند، علاقه‌ای ندارد که هرچه سریع‌تر اعدام شوند و از میان بروند. برای همین شخصیت وحید تمهمی است که از ماجرای یک همراه مسعود است، او متهمانش را رها نمی‌کند، با آنها رفاقت می‌کند و سعی دارد تا به مسیر درست برگردند و همین یکی از ویژگی‌ها و خط‌مشی‌های مسعود است.

**یکی از چالش‌های مسعود همین حرکت روی مرز با یک وظیفه و رفاقت است و همین یک اتفاق مهم را در قصه رقم می‌زند.**

بله و در «ماجرای ۲» این قضیه پررنگ‌تر و قصه‌دارتر می‌شود و بیشتر مسعود را در این مسیر می‌بینیم؛ مسعود بیشتر روابط انسانی برایش مهم است.

**یکی از جذاب‌ترین و در عین حال ابهام‌آمیزترین گفت‌وگوهای فیلم را به خوبی اجرا می‌کنی آن‌که مسعود زمان بازجویی به متهمی که فامیلی‌اش بسیجی است، می‌گوید: آخه من باتو چی کار کنم بسیجی؟ و به متهم چک نمی‌هم می‌زند که متهم فکر می‌کند مسعود دارد با او شوخی می‌کند، این شوخی عصاره شخصیت نرم و مهربان جوانی است که علی‌القاعده باید با جدجویی کند اما دلسوز هم هست.**

برای این از این دیالوگ استفاده می‌کند که می‌بیند این آدم واقعا ساده است و (این قضیه واقعی هم هست) با خودش مدارکی همراه آورده و خیال کرده مثلا می‌رویم تهران را می‌گیریم و من هم می‌شوم رئیس اینجا، مسعود هم دلش برای همین مساله می‌سوزد که چرا این آدم‌های ساده باید فریب بخورند و عمرشان را سر این مساله از دست بدهند.

**فارغ از تیم کامل تحقیق حسین مهدویان چقدر خودت به دنبال تحقیق در مورد عملیات مرصاد رفتی؟**

همان اندازه که تیم در اختیارمان گذاشته بود برای من کفایت می‌کرد چون مسعود بیشتر کار اطلاعاتی انجام می‌داد و خود فیلمنامه که توسط مسعود امینی و حسین تراب‌نژاد شکل گرفته بود پختگی کامل داشت.

**در اکران امسال وضعیت متفاوتی داری، با دو فیلم که هر دو تیزر و جسونند و مثل خیلی از فیلم‌های امسال خنثی نیستند، حرف دارند و فکر کنم خیلی با ماجرای نیمروز نمی‌توانی همراه شوی؟**

بله متأسفانه، علاقه‌مند بودم به اکران‌های مردمی دیدن این فیلم جرم است بروم و واکنش مردم را از نزدیک ببینم و برای همین نشد که همراه دوستانم باشم.

**از مسعود دیالوگ نیم به سپیدامیر موسوی، در صفحه شخصی ات نوشتی همیشه اولین تجربه‌ها ترسناک‌ترند بخصوص که قبل از تو هیچ‌کس عطش را نپذیرفته باشد، در خصوص نقشت چه امیر و چه کاراکترهای دیگر خیلی باخاطر شائبه‌هایی که وجود**



علی رستگار

سینما

ملاحظات و مصلحت را به چالش می‌کشد.

**از اقبال عمومی و اکران مردمی فیلم‌هایت در جشنواره امسال بگو.**

سئانس‌های فوق‌العاده زیادی داشته‌ایم و استقبال خوبی از هر دو فیلم صورت گرفته است، هم «دیدن این فیلم جرم است» و هم فیلم «ماجرای نیمروز» فرآیند سختی داشته، اما «ماجرای فیلم سخت و سنگینی برای حسین مهدویان بود، حتی جلوه‌های بصری و میدانی‌اش از قسمت اول این فیلم هم سخت‌تر بود.

**حتی به سبب حساسیت موضوع، ساخت چنین فیلم‌هایی دل‌شیر می‌خواهد.**

همین‌طور است و واقعا کار سنگینی بود و خوشحالم تا اینجا مورد استقبال مردمی قرار گرفته و وضعیت اکرانش خوب است. **در زمان ساخت «ماجرای نیمروز یک»، بحث ساخت قسمت دوم بود یا بعدا پیش آمد؟**

این مساله را بیشتر ابراهیم و حسین در جریانند، در قسمت اول ما بیشتر در بازی‌اش سهیم بودیم ولی خب احتمالا پیش زمینه‌هایی برای ساخت قسمت دو داشته‌اند که به سمت ساخت داستان رفته‌اند. من آنچنان در جریان نیستم.

**چه زمانی برای قسمت دوه به سراغت**

**آمنند؟**

اوایل سال، همان زمان گفتند قرار است داستان قسمت دوم عملیات